

## جایگاه هرات در مدنیت خراسان

### از عهد باستان تا گسترش اسلام

هرات در عهد باستان موقعیت سوق الجیشی و شهرت فراوان داشت. از باستان زمانه ها این خطة کهن دارای آبادانی، نظم سیاسی و اقتصادی و مدنیت بوده است. هرات در ادوار اوستایی، مادها، هخامنشیان، کوشانیان و ساسانیان مرکز تلاقی تمدنهای بزرگ بوده و حوزه های مهم و استراتژیک را بهم پیوند داده است و از این تمدن های باستان به نحو شایسته یی تغذیه و بهره وری کرده است.

هنگام یورش اسکندر مقدونی به قلمر فراخ هخامنشیان شهر هرات دارای نام و شهرت بس فراوان بود. شجاعت و پایداری دلاوران هراتی اوراق تاریخ را زینت بخشیده است. در این باب در تاریخ مختصر افغانستان آمده است: «هرچند اسکندر سه ولایت بزرگ آریا (هرات)، درنگیانه (سیستان) و اراکوزی (قندهار کنونی) را بدست آورده بود، ولی ساتی بارزان سردار ملی هراتیان از بسوس شاه باختر دوهزار لشکر امداد گرفت و در هرات علم آزادگی افراشت»<sup>(1)</sup>

هرات رونق و آبادانی خود را در دوره ساسانیان نیز حفظ کرد و یکی از شهرهای مشهور تمدن آن عهد و مرکز اشراف نشین زردشتی های آریایی بود. قبل از ظهور اسلام برخی از جهانگردان از هرات بعنوان سرزمین نعمت، ثروت و فرهنگ یاد کرده اند. این موقعیت و جایگاه پس از انتشار اسلام در بلاد خراسان نیز بقوت خود باقی بود. چنانکه داستان دهقان (حاکم) محلی هرات هنگام اهدای سوقات به اسد بن عبدالله حکمران عرب بسی مشهور است. در سنة 120 هـ

مطابق 737 میلادی در زمان حکمرانی اسد بن عبدالله بر خراسان، دهقان (دهگانی) از هری بدربار اسد در بلخ آمد، و روز جشن مهرگان هدایای بس گرانبهائی تقدیم داشت؛ در این دربار دهگان هرات خطابه یی ایراد کرد که در آن گفته بود:

«خدا امیر را نیکی دهاد! ما گروه عجم مدت چهار صد سال،

<sup>1</sup> - تاریخ مختصر افغانستان، ص 41

در حالیکه کتاب ناطق و نبی مرسل نداشتیم، تنها به حلم و عقل و وقار (بردباری، هوشیاری و سنگینی) دنیا را گرفتیم، و هرکسی با این سه خوی، بهر سوی روی آورد، خدا او را پیروزی بخشد»<sup>(2)</sup>

هرویان نخست با اعراب سازگاری عقلمندانه کردند و صلح را بر جنگ ترجیح دادند. آنان اسلام و قرآن را پذیرا شده و بر روی خاکستر مقدس محراب عبادت ساختند؛ ولی جور، ستم و تبعیض امویان کاسه صبر شان را لبریز کرد. قوی ترین و خونین ترین قیامهای آزادیخواهانه و استقلال طلبانه از خراسان آغاز شد و هرات یکی از مراکز عمده قیام و پایداری بود.

تاهنوز دلاوری و رشادتهای ابومسلم خراسانی، قارن هراتی، نیزک بادغیسی، استاد سیس، بن مقنع و دیگر آزادگان از یاد نرفته است. همین خراسانیان بودند که به رهبری ابومسلم خراسانی علیه امویان چونان جنگیدند تا خلافت را از خاندان اموی به دومان عباسیان انتقال دادند؛ اما خلیفگان عباسی عوض پاداش، این سردار نامدار را با حيله و نیرنگ ترور نموده و قیامهای بعدی خراسانیان و هراتیان را با خشونت و بی‌رحمی سرکوب کردند.

هرویان با عقل و تدبیر از تجارب ابومسلم و سرداران خراسانی درس عبرت گرفته و استراتژی مبارزاتی و استقلال طلبی خود را مطابق به شرایط زمانی و مکانی عیار ساختند. همین بود که برای نخستین بار رایت استقلال خراسان در فوشنج هرات به دست سردار بزرگ خراسانی (طاهر فوشنجی) به احتزاز درآمد. دومان طاهریان بمثابة خراسانیان بومی و میراثداران فرهنگ و تمدن باستان، در هماهنگی زیرکانه و سیاستمدارانه با خلیفه معتدل عباسی مأمون توانستند شالوده دولت مستقل خراسانی را پیریزی کنند.

سپس سلسله های صفاری و سامانی که بازهم از خراسانیان بومی بودند، این شالوده و اساس را ثبات و استحکام سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بخشیدند. زبان پارسی یا فارسی (یا دری) بمثابة پرریشه ترین زبان فرهنگ و مدنیت کهن اوستایی در عهد صفاریان، خاصه در دوره سامانیان رشد و انکشاف افزون یافت و بعنوان زبان فرهنگ و مدنیت خراسان مقبول عام و خاص بود. این زبان ملی خراسانیان در ادوار ترکان خراسانی نیز

<sup>2</sup>- تاریخ طبری، جلد دهم، ص 4220

رشد و توسعه دامنه داری پیدا کرد. بر بنیاد همین شالوده تمدنی و فرهنگی بود که ترکان خراسانی، (غزنویان، سلجوقیان و تیموریان) بزرگترین امپراتوریهای خراسانی را برپا کردند. در این فرایند تجلی فرهنگ و تمدن سهم غوریان و آل کرت نیز شایسته یادآوری است.

هرات در عهد سامانیان و غزنویان پایتخت دوم خراسان بود و در دوره غوریان به مرکز اصلی سیاست، اقتصاد و فرهنگ تبدیل شد. یاقوت یکی از تاریخنگاران و جغرافیه نویسان در این باب می نویسد: «در 607 هجری که در خراسان بودم هیچ شهری را نیافتم که بزرگی و اهمیت و شرافت و احترام و زیبایی و پرجمعیتی هرات را داشته باشد. هرات پر از مردمان فاضل، دانشمند، اعیان و متمولین معتبر است، بسیاری از علمای بزرگ و اشخاص مهم منسوب به هرات می باشند»<sup>(3)</sup>

هراتیان از همان دوران نخستین انتشار اسلام در بلاد خراسان، در این زمینه نقش فعالی بعهده داشتند. در قرن اول و دوم هجری اشخاص نامداری از خطه کهن سال هری در عرصه های علم و دانش قد برافراشتند که در اینجا به ذکر چند مثال اکتفا می کنم:

محمود وراق هروی یکی از شعرای مشهور هرات بود که بدو زبان عربی و دری شعر می سرود. ابو عبید قاسم بن سلام هروی از بزرگترین علمای حدیث، ادب، فقه و قرائت بود که بتاریخ 223 هجری وفات یافت. ابو عمر ثمر، بن حمدویه هروی قدیمترین دانشمند خراسانی است که پس از خلیل، معجم بزرگ لغت عرب را نوشته است. ابوالحسن علی فرزند ماجور هروی از علمای ستاره شناس بود که در این زمینه دارای تالیفات می باشد. از قول گوستاولوبون نقل شده که وی از سال 270 تا 322 هجری مشغول مطالعه و تحقیقات بوده و تقویم هایی استخراج کرده است. او برخلاف بطلموس کشف نمود که فاصله قمر از آفتاب به تناقض می رود.

برای روشن شدن نقش و تاثیر فرهنگ و تمدن باستانی خراسان بر فرهنگ و مدنیت اسلامی کافی است که بیان واقعیت را از زبان عقابی شاعر معروف عرب در دوره عباسی بشنویم:

<sup>3</sup> - مقدمه تاریخ نامه هرات، ص 3

«معانی جز کتب عجم بدست نمی آید، لغت از ما و معانی از آنها»<sup>(4)</sup>

## آفت چنگیزخان

پیش از هجوم هستی سوز چنگیزخان، هرات بسی آباد و پرجمعیت بود. هرویانی پس از مقاومت اولیه با عقل و تیز هوشی با پسر چنگیز از در صلح پیش آمدند؛ ولی بعد از برگشت لشکر انبوه چنگیزی به تحریک تعدادی از مبارزان دوباره بر عساکر معدود باقی مانده مغل یورش برده و همه را قتل عام کردند. چنگیزخان پس از اطلاع از این واقعه بخشم آمد و لشکر عظیمی برای سرکوب هرویانی گسیل کرد.

هراتیان در مقابل سپاه خون آشام چنگیزی پایداری کم نظیر کردند. بقول سیفی هروی تاریخنگار قرن هفتم هجری در حمله سال 618 هجری «حدود 190000 مرد جنگی» از ختة هرات برای مقابله آماده شدند. همچنان به گفته قاضی جوزجانی (منهاج سراج): «ششصد هزار شهید، در ربع شهر بشمار آمد، برین حساب بیست و چهار لک (دوملیون چهار صد هزار) در چهار طرف، از مسلمانان شهید شدند»<sup>(5)</sup> از روی ارقام متذکره وسعت آبادی و نفوس هرات قبل از حمله چنگیزخان و خرابی شهر و قتل عام مردم بخوبی هویدا می شود.

هجوم وحشیانه لشکر چنگیز شیرازه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خراسان را پاشان ساخت. مردم هرات قتل عام شدند؛ شهر و دهات مدتها خالی از نفوس بود؛ زیرا بعد از قیام و مقاومت هرویانی، چنگیزخان فرمان قتل عام و تخلیه هرات را داده بود. هرچند تمدن و آبادانی هرات در زیر سم ستوران سپاه متجاوزین بجا یکسان شد و مردم هرات کشته و تبعید شدند؛ لیکن ارزشهای معنوی و فرهنگی، جاذبه های آب و خاک هری از بین نرفت و در اثر گذشت زمان توانست قلب سنگ اولاد چنگیز را نرم سازد. مغولهای صحرا نشین و خشن بمرور زمان در اقیانوس فرهنگ و تمدن خراسان غرق شدند. در این برهه زمان نیز بازسازی و احیای مجدد خراسان در دوره ملوکان کرت (1245-1381م) از هرات آغاز گردید و در دوره تیموریان به اوج خود رسید.

## هرات در عهد تیموریان

<sup>4</sup>- تاریخ بغداد طیفور، ص 157

<sup>5</sup>- طبقات ناصری، جلد دوم، ص 121

امیر تیمور مشهور به تیمور لنگ اگرچه هنگام حمله به هرات وحشت بسیار آفرید و از کشته پشته ساخت؛ «امر کرد تا دیوارهای داخلی و خارجی شهر هرات را منهدم کردند و دروازه های آهنین شهر را که بر آن نام و عنوان پادشاهان کت منقور بود از جا بکنند و توسط گردودنه ها به شهر سبز منتقل ساختند، ... بقول مورخ میر خوند یک دکان در شهر هرات باز نماید و در بازارها و کوچه ها مرده بالای مرده افتاده بود»<sup>(6)</sup> اولاد تیمور نه تنها خشونت نکردند؛ بلکه در بازسازی و احیای فرهنگ و مدنیت خراسان زمین و تختگاه آن هرات از دل و جان کوشیدند. نام نیک ایشان همواره زینت بخش اوراق تاریخ ما خواهد بود.

مدنیت خراسان که ریشه هایش از تمدن گشن بیخ باستان آب خورده و از مدنیت های بزرگ ماد، هخامنشی، ساسانی، کوشانی، چین، هند و یونان مایه گرفته بود، پس از انتشار اسلام با فرهنگ عرب روبرو شد و شالوده مدنیت مختلط خراسان اسلامی شکل گرفت. در دوره درخشان تیموریان (1380-1506م) فرهنگ و مدنیت خراسان بعد از اسلام که در عهد دولت های مستقل خراسانیان بومی و ترکان خراسانی شکل و شیرازه پذیرفته و با هجوم هستی سوز چنگیزی پاشان شده بود، بازسازی اساسی و احیای مجدد شد.

هرات در درازنای تاریخ همواره موقعیت استراتژیکی و تبارز فرهنگی و تمدنی داشته و قلب تپنده خراسان بوده است. در عهد تیموریان زمینه از نگاه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی برای تجلی این خطة پرمغز و مایه آماده شد و هرات بمثابة گوهری در صدف سینه خراسان درخشیدن گرفت. در این باب در کتاب شکوفایی هرات آمده است: «هرات در همه اعصار و قرون قلب خراسان، کلید آسیا و دروازه افغانستان و حتی شبه قاره هند از جانب مورخین دانسته شده است. جای تردید نیست که دوره شکوفایی و رنسانس اصلی آن در دوره تیموریهای هرات می باشد»<sup>(7)</sup>

شهر باستانی هرات در بستر پرفراز و نشیب تاریخ حالات بس متنوع داشته است؛ گاه بر اوج ترقی و تعالی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی عروج کرده و زمانی از جفای گیتی گشایان و زورگویان تاریخ بجاک یکسان شده است. سرزمین پربرکت و زرخیز هری و مردم ادب پرور و فرهنگساز آن

<sup>6</sup>- افغانستان در مسیر تاریخ، ص 157

<sup>7</sup>- شکوفایی هرات در عصر تیموریه

همواره استعداد و توانمندی آنرا دارا بوده اند که ارزشهای گزیده تمدنهای بشری را خردمندانه جذب و هضم کرده و بشکل استادانه بر پایه همان فرهنگ ریشه دار خود، رشد و پرورش دهند.

هرات در عهد تیموریان در حقیقت گنج خاور و خزینة فرهنگی و هنری نه تنها خراسان، بلکه شرق شده بود. بقول مورخ مشهور وطن استاد حبیبی: «هرات بمنزلة مرکز تشعشع آسیا مدتها باقی ماند و انوار هنر آن در شرق و غرب و شمال تابید»<sup>(8)</sup> ارزش و اهمیت محوری دوره تیموری را می بایست در جنبه فرهنگی، ادبی و هنری آن جستجو کرد. نماینده واقعی هنر آن دوره «مکتب هنری هرات» است که انور آن هند عهد بابرین، ایران دوره صفوی و ماوراءالنهر را روشنائی بخشید.

در کتاب هنر عهد تیموریهها در این باره آمده است: «عروج مکتب هرات را از 1400م تا اواخر عهد سلطان حسین بایقرا 1500م میدانیم، که درین مدت یک قرن هنر کتابسازی این مکتب به شمول هنرهای خطاطی، نقاشی، مصوری، تذهیب و تجلید بذروة عروج خود رسید و هنر مندان نامی از هر سو بهرات آمدند»<sup>(9)</sup>

پس از فروپاشی امپراتوری بزرگ تیموریان دوران درازدامن تجزیه و تقسیم خراسان بزرگ، جنگهای هستی سوز، اغتشاشات و خانه جنگی های پایان ناپذیر و بحرانیهای پیاپی آغاز شد و فرهنگ و مدنیت هرات در چنگال تباه کننده سیه روزهای سخت و دشوار گرفتار رکود، انحطاط و اضمحلال روزافزون گردید که به نحوی از انحا تا هنوز ادامه دارد.

### رسول پویان سال 1373 خورشیدی

<sup>8</sup>- هنر عهد تیموریهها، ص 62

<sup>9</sup>- هنر عهد تیموریهها، ص 36